

فصلنامه محیط راهبردی

سال چهارم، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۹

مقاله پژوهشی، صفحه ۱۳۵ تا ۱۶۲

چارچوب منافع و راهبرد ژئوپلیتیکی-امنیتی ایران در کشورهای منطقه آمریکای لاتین

عبدالله مرادی، فرهاد حمزه^۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱

چکیده

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عمدتاً در تعاملات منطقه ای در خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز قرار داشته است، چه اینکه توجه به جهان اسلام و همچنین منافع سرزمینی محور اساسی این سیاست خارجی بوده است. اما ضرورت های توسعه در مناطق فرایرآمونی و همچنین تشکیل قدرت های ملی مبتنی بر الهیات رهایی بخش در آمریکای لاتین باعث گردید، از یک دهه قبل توجه به کشورهای امریکای لاتین به موضوعی جدی در سیاست خارجی بدل شود. اهمیت این منطقه به ویژه به سبب قرار داشتن در حیاط خلوت ایالات متحده و همچنین با گسترش فشارهای کشورهای غربی بر ایران در موضوع هسته ای، دو چندان گردید. در این مقاله تلاش می گردد تا در گام نخست توصیفی جامع از ابعاد حضور ایران در کشورهای منطقه آمریکای لاتین ارائه گردد تا در گام دوم بر آن اساس چارچوبی از منافع ملی و اهداف استراتژیک کشور را در تعامل به این منطقه مورد بازشناسی قرار گیرد. در گام سوم بایستی تاثیرات این رابطه بر جایگاه ایالات متحده را مورد بررسی قرار گیرد. در نتیجه ظرفیت های منطقه ای و بین المللی منطقه آمریکای لاتین برای تداوم حضور ایران را مورد اشاره قرار خواهد گرفت که به نظر از ضروریات دیپلماسی سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: ایران، ژئوپلیتیک، آمریکای لاتین، ونزوئلا، نفوذ.

۱. دانش آموخته دکتری روابط بین الملل و دبیر میز گروه امنیت داخلی پژوهشکده امنیت ملی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

مقدمه

آمریکای لاتین منطقه ای مشتمل بر کشورهای حوزه های؛ آمریکای مرکزی، آمریکای جنوبی و دریای کارائیب می باشد. از مهمترین کشورهای منطقه می توان به؛ بولیوی، برزیل، شیلی، کلمبیا، آرژانتین، کوبا، اکوادور، ونزوئلا، اروگوئه، پرو، پاناما، نیکاراگوئه، مکزیک و ... اشاره نمود. لذا بایستی توجه نمود که سخن از آمریکای لاتین؛ به معنای یک کلیت سیاسی-اقتصادی یکپارچه یا یک بلوک تجاری همگرا نیست، بلکه بیشتر از یک کلیت جغرافیایی با اجزایی مختلف است. به خصوص کشورهای این منطقه از لحاظ سطح توسعه یافتگی در درجات بسیار متفاوتی به سر می برند که طبعاً به هر یک از آنها در سطح نظام بین المللی نقش و اهمیت متفاوتی می بخشد. روابط ایران و کشورهای آمریکای لاتین از سال ۱۹۰۲ آغاز شد. در این سال اسحاق خان مفخم الدوله، وزیر مختار ایران در واشنگتن، به آمریکای جنوبی انجام شد و عهدنامه های مودت و بازرگانی با کشورهای مکزیک، برزیل، آرژانتین، اروگوئه و شیلی به امضا رسید. در زمان به قدرت رسیدن حکومت پهلوی این روابط گسترش یافت و تا گشایش سفارتخانه های طرفین پیش رفت (مهدوی، ۱۳۷۵: ۳۱۴).

در دوران جنگ سرد، همکاری ایران و کشورهای حوزه آمریکای لاتین بیشتر به تحکیم مواضع در مقابل اتحاد جماهیر شوروی و کمونیست ستیزی معطوف شده بود. در سالهای ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و با بحرانی شدن روابط ایران و آمریکا، برخی کشورهای آمریکای لاتین نظیر مکزیک و شیلی اقدام به قطع روابط با ایران نمودند و برخی دیگر به شکل غیر فعال به روابط با ایران ادامه دادند. با پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران جهت برون رفت از انزوای سیاسی، گسترش روابط با کشورهای آمریکای لاتین در دستور کار قرار گرفت و سفارتخانه های ایران در کشورهای شیلی، اروگوئه، کوبا، نیکاراگوئه و کلمبیا افتتاح و آغاز به کار کردند. با آغاز دوران سازندگی و با توجه به سیاست های عملگرایانه رئیس جمهور هاشمی رفسنجانی، سیاست بهبود مناسبات با غرب و توسعه تجارت آزاد، در دستور کار قرار گرفت و لذا توجهی به آمریکای لاتین مبذول

داشته نشد. در واقع حرکت در مسیر توسعه اقتصادی، با کاهش تاکید بر گسترش مناسبات با کشورهای در حال توسعه آمریکای لاتین همراه بود. با روی کار آمدن سید محمد خاتمی و دولت هفتم جمهوری سلامی، اقدام به گسترش روابط سیاسی با کشورها حوزه آمریکای جنوبی جدی تر از گذشته پیگیری شد. در این زمینه می توان به؛ سفر ایشان به ونزوئلا و کوبا، سفر معاون اول دولت هفتم به کشورهای کلمبیا، ونزوئلا و کوبا و سفرهای هوگو چاوز و فیدل کاسترو و دیگر مقامات سیاسی این کشورها به ایران اشاره کرد (ضیایی، ۱۳۸۵). آغاز پروژه های اقتصادی مشترک با ونزوئلا برای تولید تراکتور، سیمان و کارخانه های خودروسازی، نشانه ای بر روابط سیاسی دو طرف بود.

قدرت گرفتن حکومت های چپ گرا و ضد امپریالیسم آمریکا؛ که در راستای منافع جمهوری اسلامی ایران نیز قرار داشت، روابط ایران با آمریکای لاتین را وارد مرحله جدیدی کرد. روی کار آمدن لولا در برزیل، واسکز در اروگوئه، کرشنر در آرژانتین، مورالس در بولیوی، کورئا در اکوادور و اورتگا در نیکاراگوئه و از همه مهم تر تحکیم و بسط قدرت چاوز به عنوان مرکز ایده همگرایی منطقه ای انقلاب بولیواری، همگی از هویت جدید و مستقلی از قدرت های آمریکایی، حکایت می کرد. مبارزه با آمریکا که شعار اصلی بسیاری از رهبران نوظهور آمریکای لاتین بود، فرصتی بود که هیچ کشوری به اندازه جمهوری اسلامی ایران نمی توانست از آن بهره برداری کند. لذا جمهوری اسلامی ایران با عزمی راسخ تصمیم گرفت تا در میان کشورهای آمریکایی لاتین- در واقع همان حیاط خلوت آمریکا- پایگاهی برای خود بدست آورد. متحدان اصلی ایران در پیشبرد این سیاست روسای جمهور ونزوئلا، اکوادور و بولیوی بودند که مرکز اورشلیم در گزارشی از آن به مثابه سکوی پرتابی برای ایران یاد می کند (Segall، ۲۰۱۱). پس از آن است که آمریکا از نفوذ ایران در این منطقه مکرراً ابراز نگرانی نموده و به کشورهای این منطقه درباره تحکیم روابط با ایران هشدار داده است.

لذا در این مقاله تلاش داریم تا اولاً توصیفی از ابعاد حضور ایران در کشورهای منطقه آمریکای لاتین ارائه کنیم و منافع ملی و اهداف استراتژیک کشور را در تعامل به این منطقه

مورد بازشناسی قرار دهیم. ثانياً تأثیرات این رابطه بر جایگاه ایالات متحده را مورد بررسی قرار دهیم. دست آخر نیز ظرفیت های منطقه ای و بین المللی منطقه آمریکای لاتین برای تداوم حضور ایران را مورد مطالعه قرار دهیم.

چارچوب اهداف و منافع ملی

الف: گسترش روابط با آمریکای لاتین

سیاست خارجی را باید مجموعه ای از اهداف، جهت گیری ها روش ها و ابزارهایی در نظر گرفت که یک حکومت در مقابل سایر واحدهای سیاسی بین المللی به منظور دست یابی منافع ملی دنبال می کند. لذا وظیفه سیاست خارجی در درجه اول؛ حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور است در درجه دوم؛ تامین نیازهای اقتصادی تجاری و نظامی است سومین وظیفه؛ تامین پرستیژ بین المللی و در نهایت؛ ارتقاء توانمندی یک کشور در بسیج نیروهاست. به جهت در هم تنیدگی روابط خارجی در جهان معاصر، حوزه منافع کشورها وسیع تر گشته و نیازها و مزیت های گوناگون باعث می شود؛ همه کشورها در تلاش برای برقراری رابطه سیاسی اقتصادی سازنده ای با یکدیگر بر بیایند. روابط ایران به کشورهای منطقه آمریکای لاتین نیز از این امر مستثنی نمی باشد. البته توجه به آمریکای لاتین از منظر ارزشهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز قابل پرداختن است چه اینکه؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحول شکل گرفته در عرصه سیاست خارجی با الهام از مبانی ارزشی دین مبین اسلام، رویکرد جدید توجه به کشورهای اسلامی و مستضعفین و کشورهای جهان سوم را توصیه می کرد. قانون اساسی نیز به روشنی ارجحیت های سیاست خارجی را روشن ساخته و آن ارتباط سیاسی با چهارگروه از کشورها به ترتیب اولویت؛ همسایگان، کشورهای مسلمان، کشورهای جهان سوم و کشورهایی که به نوعی از نیازهای سیاسی اقتصادی اجتماعی و یا نظامی ایران را برطرف سازند، می باشد. آنچه که در آمریکای لاتین به وقوع پیوست و افزایش تعاملات جمهوری اسلامی ایران با این منطقه؛ به شکل توأمان از هر دو منطبق ارزشها و منافع پیروی می کند. چرا که به قدرت رسیدن برخی از رژیم ها یا روسای جمهوری در کشورهای آمریکای لاتین که نسبت به

سیاست های امریکا دارای رویکرد بدبینانه ای هستند؛ باعث ترغیب ایران و پذیرش دیدگاهش در منطقه می شود. از سوی دیگر اما حضور ایران در این منطقه بیش از آنکه ماهیت اجتماعی با ایدئولوژیک پیدا کند در حوزه روابط بین دولتی در جهت کسب منافع ملی و اهداف استراتژیک بوده است (متقی، ۱۳۸۸). شاهد مثال این امر تفاوت های عمیق فرهنگی، دینی و اجتماعی میان ایران اسلامی و حکومت هایی است که بر مبنای اصول؛ سکولاریسم، سوسیالیسم، ناسیونالیسم و...، در ونزوئلا، بولیوی و ... وجود دارد. لذا بیش از اینکه همگرایی فرهنگی و ارزش های مشترک بتواند روابط ایران با آمریکای لاتین را توضیح دهد، این منطق منافع ملی است که کمک می کند تا رفتار ایران در منطقه را توضیح دهد (Farah, ۲۰۱۲, 45):

اصولا از دید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، منطقه آمریکای لاتین دارای توانمندی های بالقوه و بالفعل بسیاری است که می تواند موجب همکاری های دوجانبه و چندجانبه با ایران باشد. در همین راستا جمهوری اسلامی ایران تاکنون با فعال کردن سیاست خود در این منطقه سعی کرده است در وهله اول از طریق توسعه و تحکیم روابط با این کشورها، ضمن تلاش برای تقویت جبهه مقاومت و گسترش محور جنوب-جنوب به توسعه و بسط روابط اقتصادی و سیاسی خود با کشورهای منطقه نیز مبادرت کند. علاوه بر این، استعداد آمریکای لاتین در دگرگون ساختن نظام بین المللی، ایجاد جهانی چند قطبی و تحدید هژمونی آمریکا کاملا با اهداف ایران در این زمینه تطابق دارد و به هر دو طرف اجازه می دهد تا با همگرایی در این زمینه با قدرت بیشتری پیاده سازی اهداف فوق را دنبال نمایند (احمدی لفرورکی، ۱۳۸۷). گسترش روابط با آمریکای لاتین به عنوان یکی از جهت گیری های سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سالهای اخیر به دلایل راهبردی ذیل اتخاذ گردید: ۱. کاهش تهدیدات خارجی ایران با ایجاد اتحاد و ائتلاف های جدید بین المللی ۲. ایجاد فرصت ها و ظرفیت های جدید در سیاست خارجی برای نیل به منافع ملی و ۳. گسترش عمق استراتژیک ایران (HajiYousefi, ۲۰۱۰, 15):

ب: توسعه عمق راهبردی

اگرچه منطقه آمریکای لاتین در دایره اولیه حوزه امنیتی جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران قرار ندارد، لیکن برخی مسائل این منطقه به واسطه حضور ایران، بر منافع و امنیت جمهوری اسلامی تأثیرگذار خواهد بود. ضمن تهدیدزدایی و فرصت سازی به عنوان اولویتهای اولیه سیاست خارجی، ایران نیازمند این است که با ساز و کارهای بلندمدت از جمله راهبردهای فرهنگی، ابزار تجاری و اقتصادی (از جمله سرمایه‌گذاری مشترک) و تقویت دیپلماسی عمومی در منطقه، به جایگاهی برسد که موقعیت نفوذ خود را در تثبیت سازد. در واقع ایران راهبردی دو سویه را در منطقه آمریکای لاتین پیگیری می‌کند؛ یکی اینکه در شرایط تحریم‌های بین‌المللی به دلیل برنامه هسته‌ای و تلاش برای انزوای کشور، ایران به دنبال کسب حمایت‌های سیاسی و ایجاد اهرم فشار علیه ایالات متحده در آمریکای لاتین می‌باشد. مورد دیگر به همگرایی در جبهه‌های اقتصادی و دیپلماتیک باز می‌گردد، که محور این راهبرد بر روابط با برزیل و آرژانتین به عنوان قدرت‌های اقتصادی منطقه استوار است. روابطی که بر عکس ظاهر رابطه با ونزوئلا، تا حد زیادی عاری از دیپلماسی شخصی و نهادینه شده می‌باشد (Farah, ۲۰۱۲, 15). از این منظر، جمهوری اسلامی ایران شبکه گسترده روابط دیپلماتیک، انرژی، اقتصادی-بازرگانی (به عنوان ابزار اصلی جلب حمایت کشورها) و مالی (از جمله تاسیس بانک مشترک برای دور زدن تحریم‌ها) را با کشورهای منطقه آمریکای لاتین به ویژه اکوادور، ونزوئلا و بولیوی حفظ می‌کند و این در حالی است که در حوزه صنعت، احداث نیروگاه، عقد قراردادهای کلان مخابراتی و غیره سطح همکاری خود با آنها را ارتقا می‌بخشد. از سوی دیگر گسترش تعاملات با اقتصادهای نوظهور مانند برزیل و آرژانتین، در ایجاد فرصت‌های اقتصادی، انتقال فناوری‌های هسته‌ای و نهایتاً حمایت این کشورهای از برنامه هسته‌ای ایران، نقشی بسیار جدی را ایفا می‌کند. زیرساخت‌های ایجاد شده توسط ایران در این کشورها در وقت نیاز می‌توانند به تهران کمک نمایند تا به زعم اندیشکده اورشلیم علیه ایالات متحده آمریکا یا منافع غرب در آمریکای لاتین در سناریوهای مختلف بکار گرفته شوند: اگر تاسیسات

هسته‌ای ایران مورد حمله اسرائیل و یا آمریکا قرار گیرد، یا اگر حس انزوا و محاصره در محافل مختلف ایران تشدید گردد، مطمئناً تهران تلاش خواهد کرد تا شاید بحران دیگری را مشابه با مدل بحران موشکی کوبا علیه واشنگتن برنامه‌ریزی نماید (Segall, 2011). لذا ایران به دنبال راهبرد حرکت از کنار تحریم‌ها و برای ارتقای جایگاه جهانی خود، به سمت کشورهای آمریکای لاتین سوق پیدا کرد.

ابعاد دیپلماسی ایران در منطقه آمریکای لاتین

الف: نفوذ سیاسی دیپلماتیک

تمایل کشورهای آمریکای لاتین به ایجاد ساختارهای جدید منطقه‌ای، استمرار حمایت از سیستم چندقطبی جدید در نظام بین‌الملل از طریق فعال‌گرایی در سیاست خارجی، فرصت‌های متعددی را در اختیار ایران قرار داد تا در حیط خلوت آمریکا، جای پای برای خود باز کند. در واقع نفس حضور ایران در منطقه‌ای دور دست به لحاظ جغرافیایی که پیش از این تصور می‌رفت که در سایه آمریکا قرار دارد، وزن بین‌المللی و پرستیز جهانی را برای جمهوری اسلامی به ارمغان می‌آورد. این میل جمهوری اسلامی ایران به توسعه روابط منطقه‌ای با آمریکای لاتین، در درجه اول به منظور اتخاذ مواضع مشترک در خصوص مسائل مهم بین‌المللی صورت می‌گیرد. به گونه‌ای که استفاده از پتانسیل‌های سیاسی منطقه برای کسب حمایت در مجامع بین‌المللی و بهره‌برداری از قدرت مجموعه‌ای و نفرادی کشورهای منطقه آمریکای لاتین برای حل مسائل بین‌المللی ایران از جمله حقوق بشر و پرونده هسته‌ای کاملاً در مسیر تحقق اهداف ملی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. و در سطح دیگر، تقویت روابط سیاسی منطقه‌ای به شکل متقابلی به افزایش فرصت‌های اقتصادی و همکاری‌های تجاری نیز می‌انجامد. چه اینکه تعداد سفارتخانه‌های ایران در آمریکای لاتین در مقایسه با سال ۲۰۰۵ تقریباً دو برابر شده است (Johnson, 2012). در این میان نقش بزرگ بسیار برجسته می‌باشد. برزیل از عوامل قدرت و نیز محیط پیرامونی مساعدتری برای مدیریت فرایند قدرت‌نمایی منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است. در واقع آمریکای جنوبی برزیل محور، چالشی برای موقعیت آمریکا محسوب شده و می‌تواند

به افول جایگاه بین‌المللی این کشور مدد رساند (Sotero & Armijo, ۲۰۰۷, 34): دکتر احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور سابق در سفر به برزیل با استقبال لولا داسیلوا، رئیس‌جمهور سابق برزیل، مواجه شد که انتظار آن از سوی بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکا نمی‌رفت و این برخلاف رویکرد تبلیغی و رسانه‌ای کشورهای غربی بود. مورد دیگر را می‌توان به توسعه روابط با آرژانتین اشاره نمود که البته مهمتر از آن شکست فضای ایران هراسی با توجه به پرونده آمیا بود. توافق ایران و آرژانتین جهت ایجاد مکانیسمی مشترک برای رسیدگی به موارد اختلافی میان دو کشور باعث گردید، رژیم صهیونیستی بازنده بزرگ پرونده آمیا لقب گیرند. ژنرال داگلاس فریزر، رئیس ستاد فرماندهی آمریکا در منطقه آمریکای جنوبی سندی را در خصوص فعالیت ایران در این منطقه به سنا آمریکا ارائه نمود که در آن تاکید گردیده بود؛ جمهوری اسلامی ایران در راستای پشتیبانی از اهداف سیاسی خود نظیر کاهش تاثیر تحریم‌های بین‌المللی مرتبط با برنامه هسته‌ای همچنان به گسترش روابط منطقه‌ای ادامه می‌دهد و به نظر می‌رسد که روابط ایران با ونزوئلا بر پایه منافع مشترک استوار است: اجتناب از انزوای بین‌المللی، دسترسی به فناوری نظامی و نفتی، ... (Segall, ۲۰۱۱).

ب: فعالیت‌های ترویج دینی

در سرتاسر منطقه آمریکای لاتین حدود ۴،۵-۶ میلیون نفر مسلمان زندگی می‌کنند که اکثریت آنها سنی بوده ولیکن اقلیتی از شیعیان نیز وجود دارند. نقاط مسلمان نشین با تاکید بر حضور شیعیان پایگاه مناسبی برای حضور ایران است هم از لحاظ پیشبرد اهداف انقلابی و هم از حیث گسترش حوزه نفوذ و اثرگذاری. حضور ایران در میان جامعه مسلمانان آمریکای لاتین، با هدف صدور انقلاب اسلامی و اساساً معرفی و تبلیغ اسلام شیعی صورت می‌گیرد که نهادهایی نظیر سازمان جهانی اهل بیت و اشخاص بسیاری در فعالیت‌های گسترده اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مشارکت دارند (Segall, ۲۰۱۱). البته این حضور مذهبی ایران در کنار ایجاد فرصت‌های فراوان و تثبیت جایگاه ایران در منطقه، منجر به یک رشته فعالیت‌های رسانه‌ای و سیاسی مبتنی بر ایران هراسی نیز شده است.

چه اینکه فضای رسانه ای و اندیشکده های غربی مرتبا از صدور آموزه های اسلام تندروی شیعه به آمریکای لاتین ابراز نگران کرده و بر این نکته تاکید دارند که؛ «ایران با رویکردی تهاجمی در حال تشکیل گروههای تروریستی از نوکیشان مسلمان است تا از طریق بخش های ضعیف تر مرز جنوبی آمریکا، برای عملیات های تروریستی به داخل ایالات متحده نفوذ کنند (جهت مطالعه بیشتر رک: Sullivan & Beittel، ۲۰۱۳). اعلام تلاش تروریستی نافرجام در فرودگاه جان اف کندی نیویورک توسط نماینده مسلمان مجلس کشور گویان به نام عبدالقدیر در سال ۲۰۱۰، باعث گردید تا شانتاژهای رسانه ای گسترده ای درباره تلاش ایران و حزب اله برای آموزش تروریست های مسلمان تندرو اعم از شیعه و یا سنی در منطقه آمریکای جنوبی به ویژه کشورهای دارای جمعیت مسلمان نظیر سورینام و گویان صورت گیرد.

ج: فرهنگی و دیپلماسی عمومی

ایران در سالهای اخیر عرصه سیاست خارجی به دلیل فشارهای غرب برای محروم کردن ایران از فناوری هسته‌ای شاهد تنگناهای زیادی بوده است. به ویژه اینکه چهره کشور در تمام سالهای پس از انقلاب اسلامی، همواره مورد تهاجم دشمنان و تبلیغات رسانه ای قرار داشته است. تصویر موجود از ایران در منطقه آمریکای لاتین بر اساس تبلیغات منفی دستگاههای خبری و اطلاعاتی غربی و عمدتاً آمریکا شکل گرفته بود که؛ فاصله جغرافیایی زیاد و نبود روابط فرهنگی ایران با این کشورها، مزید بر علت بود. در چنین فضایی و البته با توجه به زمینه اجتماعی و فرهنگی ضدآمریکایی و استقلال طلبی موجود در آمریکای لاتین، دولت نهم و دهم جمهوری اسلامی تلاش گسترده ای را در جهت دیپلماسی عمومی با شعار ضرورت عادلانه شدن مناسبات بین‌المللی، آغاز نمود. موفقیت نسبی ایران در منطقه آمریکای جنوبی، البته تاحدی به دلیل روی کار آمدن رؤسایی با گرایش چپ و ضد لیبرال دموکراسی نظیر هوگو چاوز رئیس جمهور ونزوئلا بود، لکن می توان با تاکید بیشتر بر دیپلماسی عمومی، تاثیرات مثبتی بر مردم آمریکای لاتین داشت. این بعد از روابط با توجه به نقش خطیر افکار عمومی در شکل دهی و پشتیبانی از یک رابطه متوازن و پایدار

سیاسی و دیپلماسی رسمی از اهمیت بسیاری برخوردار است. بواسطه همین مسئله، ایران با استفاده از حمایت رؤسای جمهور کشورهایی همچون برزیل و ونزوئلا، تا حدودی خود را در منطقه معرفی کرده و با استفاده از سرمایه گذاری بر قشر فقیر آمریکای جنوبی عملاً تصویر مثبتی از خود در آمریکای جنوبی ترسیم کرده است. از دیگر موارد در جهت دیپلماسی عمومی ایران، استفاده از رسانه و شبکه خبری و برون مرزی جمهوری اسلامی ایران (هسپیان تی وی) بوده است که توانسته است به صورت نسبتاً خوبی کشور و فرهنگ جمهوری اسلامی ایران را به مردم آمریکای جنوبی معرفی کند (Johnson, 2012). (11):

شاید مهمترین نکته ای که در این زمینه باید به آن توجه داشت این است که ایران تماسهای فرهنگی گسترده ای در منطقه بوجود آورده است. ایلان برمنایجاد کرسی های زبان فارسی و ایرانشناسی در دانشگاه های منطقه، برگزاری سمینارها و جشنواره های دوره ای، تأسیس شعبه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در شهر ریودوژانیرو، تأسیس رایزنی فرهنگی و انجمن دوستی ایران با کشورهای منطقه آمریکای لاتین از جمله فعالیت های فرهنگی صورت گرفته در روابط ایران با منطقه آمریکای لاتین است (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۷/۶/۴). ایلان برمن معاون موسسه تحقیقاتی شورای سیاست گذاری خارجی آمریکا با بزرگنمایی فعالیت های فرهنگی ایران می گوید؛ ایران این کار را با فعالیت های هدفه مرکز فرهنگی رسمی خود در منطقه و همچنین تماس با گروههای بومی منطقه، انجام می دهد. اما این تماسها و فعالیتهای تبلیغی همزمان با برنامه موسوم به «دعوت» از طریق شبکه ای از نمایندگان غیررسمی ایران با اهداف تروریستی تکمیل می شود که در کشورهای شیلی، گویان و پاراگوئه واحدهایی محلی ایجاد و از این طریق با سران اسلامگرای محلی ارتباط برقرار کند (Berman, 2013).

د: تعاملات اقتصادی

فراتر از ارتباط سیاسی و ایدئولوژیک، تلاش در بهبود تجارت و روابط اقتصادی با کشورهای آمریکای لاتین از جمله اهداف ایران در منطقه آمریکای لاتین است. جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهمیت روابط اقتصادی به تنظیم روابط سیاسی، راهبرد جدیدی را

در توسعه روابط سیاسی بر پایه متنوع سازی مقاصد تجاری در منطقه آمریکای لاتین، متوازن ساختن روابط سیاسی و اقتصادی و افزایش صادرات به کشورهای منطقه را در دستور کار قرار داده است. این رویکرد جدید البته با اهداف؛ ۱- استفاده از ظرفیتهای اقتصادی و تجاری منطقه، ۲- جذب سرمایه و صدور خدمات فنی و مهندسی، ۳- توسعه بازارهای صادراتی جمهوری اسلامی ایران و ۴- متنوع سازی بازارهای وارداتی ایران، صورت می گیرد (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۷/۶/۴). به طور کلی تراز تجاری میان ایران و آمریکای لاتین مثبت است که این امر نشان می دهد آمریکای لاتین نقش مهمی در تامین نیازهای ایران دارد. همزمان نیز ایران سهم بزرگی در تامین نیازهای فنی و مهندسی کشورهای این منطقه دارد. تا سال ۲۰۰۵، حجم تجارت ایران و کشورهای منطقه سالانه حدود ۱/۳ میلیارد دلار بود، اما در سال ۲۰۱۲ این رقم تقریباً دوبرابر شد و به ۳/۶ میلیارد دلار رسید (Berman, ۲۰۱۳). اگر چه در توزیع مناسبات ایران با آمریکای لاتین، روابط ایران و ونزوئلا، الگویی برای روابط تهران با دیگر کشورهای این منطقه است، اما مناسبات نزدیک تهران و برازیلیا نیز بیش از هر زمان دیگری ایران را به آمریکای لاتین پیوند داده است. در حال حاضر، برزیل بزرگترین شریک تجاری ایران در منطقه است. حجم تجارت سالانه دو کشور در حال حاضر حدود ۲/۲ میلیارد دلار است (Berman, ۲۰۱۳).

براساس آمار رسمی وزارت توسعه، صنایع و تجارت برزیل در ۶ ماهه نخست سال ۲۰۱۰ صادرات جمهوری اسلامی ایران به این کشور از افزایشی ۵۱۰ درصدی نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۰۹ برخوردار بوده است. البته در همین مدت صادرات برزیل به ایران نیز ۵۸ درصد رشد داشته است. رئیس جمهور وقت ایران با تایید استفاده از فرصت همکاری های مشترک بر این باور بود که حجم مبادلات تجاری ایران و برزیل تا سال ۲۰۱۵ به ۱۰ میلیارد دلار افزایش می یابد (مرشدی، ۱۳۹۰). تاکنون سیزده بار جلسه کمیسیون های مشترک اقتصادی و تکنولوژیکی ایران و کوبا برگزار شده است. در مورد ونزوئلا نیز، سفر رئیس جمهور وقت خاتمی، در سال ۲۰۰۴ برای شرکت در نشست سران عدم تعهد سرآغاز روابط گسترده اقتصادی ایران با این کشور بود. در این سفر قراردادهای؛ ساخت

یک کارخانه تولید تراکتور در سیوداد بولیوار، مونتاژ خودرو (سمند به نام Centauro به عنوان محصول مشترک ایران خودرو و شرکت ونزوئلایی وینسا (VENINSA) و نیز قرارداد تولید خودروی Turpial با همکاری سایپا ایران منعقد گردید (Farhi, ۲۰۱۲).

روابط ایران و ونزوئلا در سالهای اخیر و بویژه پس از روی کار آمدن دولت نهم در ایران بسیار رو به رشد بوده به طوری که طی این مدت دو کشور شش اجلاس کمیسیون مشترک همکاری را برگزار و بیش از ۲۰۰ سند همکاری در قالب توافقنامه و یادداشت تفاهم در زمینه های مختلف امضا کرده اند که ارزش تجاری آنها بیش از پنج میلیارد دلار برآورد می شود. به عنوان مثال می توان به امضای توافقنامه در زمینه های مختلف؛ کشاورزی (تولید و کاشت برنج)، شیلات و آبزیان (کشت و پرورش میگو)، مسکن (احداث ۱۰ هزار واحد مسکونی توسط ایران در ونزوئلا)، راه و ترابری (احداث راه های جدید و راه اندازی خط پرواز مستقیم تهران - کاراکاس توسط شرکت هواپیمایی ماهان ایر)، انرژی (احداث نیروگاه برق)، محیط زیست (ایجاد شبکه سیستم تصفیه آب و فاضلاب)، تقویت ظرفیتهای علمی و تکنولوژی (تولید واکسن برای مبارزه با بیماریها)، مالی (تشکیل مجمع عمومی صندوق مالی دو ملیتی)، و ... اشاره کرد. البته اینها صرفا بخشی از پروژه های صنعتی و خدماتی ایران در ونزوئلا را تشکیل می دهند. به گفته برخی اندیشکده های غربی، همکاری ایران و ونزوئلا شامل موارد نظامی نیز می گردد و طبق این ادعا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مسئولیت ساخت پایگاه موشکی ایران در ونزوئلا و برخی فعالیت های هسته ای (که وجود چنین پروژه های را تکذیب کرده است) را برعهده دارد (Segall, ۲۰۱۱). سفر سال ۲۰۰۷ محمود احمدی نژاد به بولیوی، اولین سفر رییس جمهوری ایران، به آن کشور بود که در جریان آن به منظور توسعه روابط، اجرای طرحهایی به ارزش یک میلیارد و یکصد میلیون دلار در لاپاز طی دوره ای پنج ساله به امضای مقامات دو کشور رسید (ایرنا، ۱۳۸۹/۸/۳).

واقعیت آنست که اصل ضروری عدم تعهد در سیاست خارجی ایران، با روابط اقتصادی و سیاسی در آمریکای لاتین پیوندی جدی خورده است. تأسیس دفاترهای تجاری

در شهرهای مهم منطقه آمریکای لاتین از جمله سانپائولو- پاناما، تأسیس شرکت مشترک بازرگانی با تعدادی از کشورهای منطقه، تأسیس بانک مشترک و صندوق مشترک با ونزوئلا به منظور اجرای پروژه در سایر کشورها، عضویت در بانک جنوب، تأسیس شرکت مشترک برای اجرای پروژه‌های نفتی، پتروشیمی و حمل نقل و ... (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۷/۶/۴) از جمله زیرساخت‌های اقتصادی و همکاریهای اقتصادی است در آمریکای لاتین توسط ایران پایه ریزی شده است. که البته در کنار موارد فوق قراردادهای متعددی برای اجرای پروژه‌های توسعه‌ای در این کشورها و خدمات فنی و مهندسی را نبایستی فراموش نمود. در کنار این امر البته بسیاری از برنامه‌های اقتصادی ایران در منطقه آمریکای لاتین به سرانجام نرسیده است. اکثریت هفده میلیارد دلاری که در پروژه‌های مشترک بین ایران و ونزوئلا در طول دوازده سال گذشته منعقد شده به ثمر ننشسته است. کوبا، اکوادور و بولیوی نیز با آنکه روابط دیپلماتیک گرمی با ایران دارند که علت آن نیز مخالفت این کشورها با آمریکا است، روابط تجاری قابل توجهی با ایران ندارند (Misztal, ۲۰۱۳). در این میان می‌توان به تعهد سال ۲۰۰۸ ایران برای ساخت و توسعه یک بندر در سواحل نیکاراگوئه و یک پالایشگاه نفت در اکوادور، اشاره نمود (Goodman, ۲۰۱۳).

تخاصم راهبردی-امنیتی ایران و آمریکا بر سر نفوذ منطقه‌ای در آمریکای لاتین

الف: ریشه‌های تخاصم در سیاست خارجی

در بررسی روابط ایران و کشورهای آمریکای لاتین، یکی از اصلی‌ترین موضوعی که خود را نشان می‌دهد، مسئله ایالات متحده امریکاست. دیدیم که رویکرد سیاست خارجی ایران در روابط با آمریکای لاتین، منافع محور بوده و به دنبال کسب منافع اقتصادی و افزایش ضریب امنیت ملی می‌باشد. لذا درحالی‌که این رویکرد، هیچانی و صرفاً برای ابراز دشمنی با آمریکا نمی‌باشد، اما بالاخره امریکا یکی از موضوعات اصلی، در تدوین سیاست خارجی آمریکای لاتینی ایران است. لذا بررسی تاثیر روابط ایران و آمریکای لاتین، بر ایالات متحده آمریکا از مباحث اساسی‌ای است که باید بدان پرداخت چه اینکه؛ ایالات متحده از سال ۱۸۲۳ و بر اساس دکترین مونروئه، آمریکای لاتین را حیات خلوت خود

تعریف کرده و همواره نسبت به حضور دشمنان و رقبای خود نظیر؛ اروپای قرن نوزدهم، اتحاد شوروی، و اینک ایران در این منطقه به شدت موضع گرفته است. اثرات رابطه ایران و آمریکای لاتین بر منافع و راهبردهای ایالات متحده، را می توان در دو سطح تحلیل مورد بررسی قرار داد. سطح تحلیل اول؛ به گستره و ساختار نظام بین الملل باز می گردد و نقش و هویتی که آمریکا و جمهوری اسلامی در این نظام برای خود تعریف کرده اند، در این سطح به شکل ایجابی و از منظر ارزشهای سیاست خارجی بحث صورت می گیرد. سطح دوم تحلیل، توجه به منافع و تهدیدات حضور ایران در منطقه برای ایالات متحده را مدنظر قرار می دهد و به شکل سلبی بر منطق منافع؛ مقدمات و محذورات استوار است.

شکل گیری انقلاب اسلامی ایران یکی از نقاط عطف تاریخی محسوب می شود که رسالت تاریخی خود در فضای بین الملل را نقد فضای موجود نظام جهانی و تبیین نظام بین الملل مطلوب قرار داده است. عنصر ارزشی مقاومت البته در طول سالهای انقلاب اسلامی به جهت الگوی تهاجمی آمریکا در نظام جهانی و محدودیت های فراگیری که علیه جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است، منجر به افزایش ارادهی معطوف به مقاومت در سیاست خارجی ایران گردیده است. لذا گفتمان مقاومت عرصه جهانی را محل برخورد نظام سلطه با جبهه مقاومت می داند و ایران را موظف به اتخاذ رفتارهای همگرا با جریانات مقاوم جهانی می کند. جبهه مقاومت نیز البته مربوط به یک حوزهی جغرافیایی مشخصی نیست. نشانه های مقاومت را می توان از درون ایالات متحده (در چهارچوب جنبش مقابله با وال استریت) تا آمریکای لاتین و آفریقا، آسیای جنوب غربی (هویت گرایی و بیداری اسلامی) مورد ملاحظه قرار داد (متقی، ۱۳۹۱: منابع اینترنتی). این درحالی است که نظام بین الملل سلطه، دوران نوینی از انتقال قدرت، کاهش توانمندی های ابرقدرتها و خیزش قدرت های نوظهور را تجربه می کند. در هندسه ژئوپلیتیکی جدید، هژمونیک گرایی آمریکا با نشانه هایی از واکنش های متقابل فراگیر روبه رو گردیده است (متقی، ۱۳۹۱: منابع اینترنتی). بازخیزی چین، هند و برزیل و بازگشت روسیه به صحنه بین المللی، سرمشق های ژئوپلیتیکی سیاست جهانی را متغیر ساخته و در سیاست گذاری بین

المللی همه بازیگران نظم بین الملل، بازتاب یافته است. به باور این طیف، قدرت های نوظهور با ارزش ها و هنجارهای بنیادی غربی آمریکایی همسوئی تام و تمامی ندارند و باید تا پیش از پذیرش این هنجارها در حاشیه نظام حکمرانی جهانی باقی بمانند (سلیمانپور و مولایی، ۱۳۹۲: ۷-۳۴). در این رهگذر، گرایش به منطقه گرایی و اشاعه نهادها و سازمان های منطقه ای، از ویژگی های بارز دوره انتقالی حاکم بر روابط بین الملل محسوب می شود که می تواند فرصت های مناسبی در اختیار گفتمان مقاومت قرار دهد. لذا کشورهای منتقد و مقاوم در برابر نظام سلطه تلاش دارند در این حالت گذار بین المللی همکاری های اقتصادی و تجاری، خود را جهت همگرایی سیاسی، پیشبرد اهداف بین المللی و ارتقاء موقعیت خود سود جویند. لذا در یک نگاه ایجابی تلاش می شود که برای رهایی و برون رفت از نظام ناعادلانه موجود، راه حل های مبتنی بر مقاومت و تعامل جنوب-جنوب ارائه گردد. این راه حل مبتنی بر ائتلاف سازی و اتحاد سازی با محوریت قدرت های نوظهور جهان سوم و در مقابل نظام سلطه می باشد. بدین خاطر توجه به کشورهای آمریکای لاتین، به ویژه برزیل و آرژانتین اهمیت می یابد. چرا که به شکل ساختاری، تداوم نظام سلطه و ابرقدرتی ایالات متحده را با چالش های جدی مواجه می سازد.

ب: حضور ایران در منطقه نفوذ آمریکا

از منظر منافع ملی و افزایش قدرت، جمهوری اسلامی ایران همواره درصدد رسمیت بخشیدن به قدرت منطقه ای و بین المللی خود و قدرت تاثیرگذاری بر مسائل منطقه ای و موضوعات بین المللی بوده است. از همین منظر نیز تلاش می کند تا از طریق معادلات جدید قدرت با ایالات متحده آمریکا مقابله نماید که یکی از این معادلات، حضور فعال در آمریکای لاتین بوده است. چرا که اولاً این منطقه در نزدیک ترین فاصله جغرافیایی به ایالات متحده قرار دارد، و ثانیاً در گذشته نه چندان دور شاهد حرکت ها و جنبش های مردمی در مبارزه با امپریالیسم غرب بوده به گونه ای که رهبران چپ گرا در آمریکای لاتین از محبوبیت بالایی برخوردار هستند (غلامی، ۱۳۹۱: منابع اینترنتی). به همین دلیل ایالات

متحدۀ نسبت به حضور ایران در آمریکای لاتین به شکل فزاینده ای احساس تهدید می کند. پایگاه اینترنتی ویکی لیکس در اوایل سال ۲۰۰۹ سندی را منتشر ساخت که در آن هیلاری کلینتون وزیر وقت امور خارجه از سفرای کاخ سفید در منطقه آمریکای لاتین، بررسی جدی ابعاد فعالیت های ایران در کشورهای منطقه را خواستار شده بود. این تلگرام خاطر نشان می ساخت که ایران در ۱۶ کشور آمریکای لاتین مراکز فرهنگی تاسیس نموده، در حالیکه همزمان به ۱۰ کشور دیگر سفیر فرستاده است اما بیش از همه گسترش روابط نظامی ایران با ونزوئلا است که برای امریکا ایجاد خطری فوری و محسوس برای امریکا وجود دامی کند. در این رابطه، کلینتون همچنین به آزادی عمل حزب الله در افزایش سرمایه گذاری ها و انجام فعالیت های مورد نظر اشاره می کند. رابرت گیتس وزیر دفاع وقت امریکا نیز تاکید می کند؛ از شنیدن خبر اقدامات خرابکارانه ایران در برخی از کشورهای امریکای لاتین و به طور اخص در منطقه آمریکای جنوبی و آمریکای مرکزی به شدت آشفته شده است و بیشتر نگران دخالت ایران در این منطقه می باشد تا حضور روسیه (Segall, ۲۰۱۱). هر چند باید تذکر داد که بخشی از نظرات مسئولان آمریکایی درباره حضور ایران آمیخته از اتهامات واهی و بزرگنمایی جهت ایران هراسی است، اما اشاره به آنان نیز بیانگر اثرات و تهدیدات حضور ایران در این منطقه برای امریکاست. راجر نوریگا معاون وزیر امور خارجه امریکا در امور نیمکره غربی، در برابر کمیته روابط خارجی سنای امریکا، تهدیدات حضور ایران در آمریکای لاتین را اینگونه جمع بندی می کند؛ ایران با همکاری ونزوئلا در حال توطئه برای به راه انداختن یک مبارزه نامتقارن علیه امنیت ایالات متحده می باشد. ایران با ایجاد زیر ساخت های نظامی و انتقال سلاح های متعارف قادر به حمله ایالات متحده در منطقه است. همچنین شبکه های تروریستی وابسته به سپاه قدس ایران و حزب اله لبنان، عملیات جذب، آموزش تروریست ها و توانمند سازی آنان جهت انجام عملیات در ایالات متحده را بر عهده دارند که هزینه های آن از تجارت مواد مخدر توسط حزب اله لبنان (!) تامین می گردد (Noriega, ۲۰۱۲).

تداوم سیاست های جمهوری اسلامی ایران برای افزایش تعاملات با آمریکای لاتین، و ایجاد زمینه های ایران هراسی با توجه به اتهامات هدایت شبکه های تروریستی و پایگاههای نظامی ایران در ونزوئلا، باعث گردید تا نهایتا باراک اوباما قانون مصوب کنگره به عنوان «قانون تدارک استراتژی همه جانبه برای مقابله با حضور خصمانه و فعالیت های رو به رشد ایران در نیمه کره غربی و برای دیگر اهداف» را امضا نماید. در این قانون؛ کنگره آمریکا به توافقات اقتصادی و امنیتی ایران با کشورهای منطقه اشاره می کند و هدف آنرا ایجاد شبکه ای از روابط اقتصادی و دیپلماتیک به منظور کاهش شوک تحریم های بین المللی و مقابله با تلاش های غرب در محدود کردن جاه طلبی های ایران می داند. در این قانون همچنین تاکید زیادی بر نیروی قدس سپاه پاسداران صورت گرفته که این نیرو را به حمایت از فعالیت های نظامی، و تروریستی حزب الله و پشتیبانی های مالی، تسلیحاتی اطلاعاتی لجستیکی و فنی از آن متهم نموده است. نهایتا کنگره آمریکا پیشنهاد می کند وزارت خارجه آمریکا به طور مستمر و در عرض ۱۸۰ روز کنگره را از اقدامات خصمانه ایران در نیمکره غربی مطلع سازد. این قانون همچنین از وزارت امنیت داخلی می خواهد مرزهای آمریکا با کانادا و مکزیک را برای مقابله با نفوذ نیروهای سپاه قدس، حزب الله و هر گروه دیگر مرتبط با ایران مستحکم تر کند (مشرق نیوز، ۱۳۹۱/۱۰/۱۱).

ظرفیت های آمریکای لاتین: ضرورت های تداوم سیاست خارجی ایران

جمهوری اسلامی ایران، در صدد است تا بخشی از نفوذ سیاسی و اقتصادی آمریکا در میان کشورهای آمریکای لاتین را با قدرت و نفوذ خود جایگزین نماید. و از این طریق با گسترش حوزه عمل دیپلماتیک و افزایش عمق استراتژیک خود، روند دستیابی به منافع ملی را تسهیل و فرصت های بین المللی برای خود ایجاد نماید. چه اینکه کشورهای منطقه دارای ظرفیت های فراوان سیاسی اقتصادی و ژئوپلیتیک می باشد که در شرایط بحران، می تواند فضایی حیاتی برای جمهوری اسلامی مهیا سازد و در مسیر عبور از تحریم ها و افزایش فشارها بر آمریکا، ظرفیت مناسبی را ایجاد کند. چرا که روندهای آتی در آمریکای لاتین مؤید تداوم نقش آفرینی کشورهای این منطقه در معادلات منطقه ای و بین المللی می

باشد که همگرایی نسبی این کشورها با ایران می تواند این ظرفیت ها در راستای منافع ملی ایران قرار دهد. چنانچه در ادامه خواهیم دید؛ ظرفیت های استراتژیک کشورهای آمریکای لاتین، ضرورت اصلی برای تداوم رویکرد سیاست خارجی ایران به این منطقه می باشد.

الف: پتانسیل های اقتصادی و تجاری منطقه ای

روابط ایران با کشورهای منطقه آمریکای لاتین چه در سطح دوجانبه چه در سطح منطقه ای از ظرفیتهای بالایی برای توسعه برخوردار است؛ مناسباتی که شاید قادر است خود موجد روندهایی نوین در سطوح جهانی شود. کشورهای این منطقه در قالب پیمان های مرکوسور و آلبا، اتحادیه های سیاسی اقتصادی تشکیل داده اند که هدف از تأسیس آنها دست یابی به یکپارچگی اقتصادی میان کشورهای امضا کننده پیمان، از طریق ایجاد جریان آزاد کالا و خدمات در میان اعضا و هماهنگی سیاست های اقتصادی کلان و منطقه ای است. بنابراین توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای چون برزیل و آرژانتین با توجه به نقش و وزن سیاسی این کشورها در معادلات منطقه ای، بین المللی بسیار با اهمیت تلقی خواهد شد. اگر ایران با کشورهای آمریکای لاتین تشکیل بلوک تجاری دهد، صادرات کالاهای خود را افزایش داده است. این درحالی است که؛ نقش و اهمیت توسعه صادرات در فرآیند توسعه اقتصادی نیز امری کاملاً پذیرفته شده است. مشارکت ایران در ادغام های اقتصادی و پیگیری سیاستهای تجاری ترجیحی و آزادسازی روابط با کشورهای آمریکای لاتین، کانال بسیار مناسبی برای توسعه روابط تجاری است (لطفعلی پور و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۵).

ب: جایگاه ژئوپلیتیک و فشار بر آمریکا

در حالیکه جمهوری اسلامی ایران با فشارها و محدودیت هایی توسط کشورهای غربی و متحدین ایالات متحده مواجه شده است، گسترش تعاملات ایران با آمریکای لاتین می تواند بهترین گریز از خواست کشورهای غربی باشد. چه اینکه جایگاه ژئوپلیتیک این منطقه در نزدیکی جغرافیایی به ایالات متحده بیش از هر چیز می تواند برای آمریکا به شکل عینی و یا ذهنی ایجاد تهدید نماید. مرزهای گسترده آبی خاکی آمریکای لاتین با

ایالات متحده، وجود منابع طبیعی گسترده، ناامنی‌ها و فعالیت گروه‌های تروریستی در کشورهای منطقه و ... از جمله عواملی است که بر مبنای آن حضور یک دشمن ایالات متحده در این منطقه به سرعت ترجمان امنیتی و تهدیدآمیز برای حاکمان کاخ سفید پیدا می‌کند. این احساس تهدید فزاینده و فشار وارده بر آمریکا از حضور ایران در این مناطق استراتژیک، در گزارشات رسمی مقامات مختلف آمریکایی و گزارشات اندیشکده‌های راهبردی این کشور به وضوح آشکار است. به عنوان مثال گزارش ویژه مرکز تحقیقات کنگره آمریکا (CRS) در آوریل ۲۰۱۳ با موضوع «آمریکای لاتین: مسائل تروریسم»، نقش ایران را به گونه‌ای برجسته می‌سازد؛ که درباره وجود ارتباط بین ایران، تروریسم مواد مخدر و تروریسم مرتبط با اقدامات گروه‌های اسلام‌گرای تندرو هشدار می‌دهد. این گزارش فساد حاکم و عملکرد ضعیف سرویس‌های امنیتی برخی از رژیم‌های آمریکای لاتین و مرزهای باز ایالات متحده در چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای را، بستری مناسب برای ایجاد تهدیدات جدی امنیتی به شمار می‌آورد (Sullivan & Beittel, ۲۰۱۳).

همچنین برخی منابع آمریکایی ادعا می‌کنند که از سال ۲۰۰۵، ایران در ونزوئلا، اکوادور و بولیوی به سرمایه‌گذاری و استخراج از معادن اورانیوم اقدام کرده است (Noriega, ۲۰۱۲).

ج: فضای فرهنگی ضدامپریالیستی

ادبیات عدالتخواهانه و ضد استعماری از جمله زمینه‌های اجتماعی مردمی در منطقه آمریکای لاتین است؛ که بر گرفته از ایده‌های انقلابی سیمون بولیوار است. این فضای هنجاری سبب گردیده است تا منطقه آمریکای لاتین به حوزه قدرت‌نمایی کشورهای ضدآمریکایی بدل شود. در همین راستا ایران با رویکردهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سعی داشته است تا با تحکیم روابط با کشورهای آمریکای لاتین، در کنار آنها جبهه جدیدی را در صحنه جهانی علیه آمریکا و نظام ناعادلانه بین‌المللی ایجاد کند. سفرهای متعدد محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهوری سابق به کشورهای کوبا، نیکاراگوئه، بولیوی، ونزوئلا و اکوادور و استقبال مردمی از وی و ابراز محبت و مودت مردمی در استقبال از او،

نشان از نهادینه شدن ادبیات سیاسی و آرمانهای عدالتخواهانه ایران در افکار عمومی منطقه دارد. ضمناً، ایران به دنبال آنست تا کشورهای آمریکای لاتین را برای اجرای دستورکار ضداسرائیلی با خود همراه سازد. جالب اینکه در واکنش به حمله اسرائیل به غزه در سال ۲۰۰۸، ونزوئلا و بولیوی سفیر این کشور را اخراج کردند. تشدید احساسات ضدیهودی، نیز به حمله مردم به کنیسه قدیمی و اصلی شهر کاراکاس به نام «تيفرت یسرائیل» و تخریب آن، منجر شد (Segall, ۲۰۱۱). با توجه اسناد ویکی لیکس؛ سفارت آمریکا در برزیل در ارزیابی وضعیت موجود جولای ۲۰۰۸ گزارش می دهد که؛ در راستای سفرهای مکرر دولتمردان ایران به منطقه، تهران قصد دارد تا کشورهای نظیر برزیل را ترغیب نماید که به بلوک ضدآمریکایی اکوادور، بولیوی و ونزوئلا ملحق شود. به علاوه، ایران در حال اجرای راهبرد دیپلماسی نرم است که افکار عمومی برزیل را با وجوه اشتراک خواست دو طرف برای نیل به برنامه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز، هدف قرار می‌دهد (Segall, ۲۰۱۱). در کنار فضای فرهنگی ضد آمریکایی، توجه ویژه به مسلمانان منطقه می‌تواند از ابزارهای موفقیت در دیپلماسی فرهنگی ایران در امریکای لاتین تلقی گردد. باید توجه داشت که مجموع مسلمانان در کشورهای آمریکای لاتین و حوزه کارائیب نیز کم و تقریباً حدود یک و نیم میلیون نفر است. کشورهای سورینام و گویان علی‌رغم جمعیت اندک خود دارای تعداد چشمگیری مسلمان هستند. حدود یک میلیون مسلمان نیز در آرژانتین و برزیل زندگی می‌کنند؛ اکثراً اهل سنت هستند. البته شیعیانی از فلسطین و لبنان در شهر کوریتیبای Curitiba در جنوب برزیل، مناطق مرزی مجاور آرژانتین و پاراگوئه زندگی می‌کنند (Misztal, ۲۰۱۳).

د: کاهش تأثیرات تحریم‌های اقتصادی

یکی از ظرفیت‌های جدی کشورهای منطقه آمریکا برای جمهوری اسلامی در شرایط بحرانی نظیر تحریم‌های ظالمانه نظام سلطه خود را نشان می‌دهد. لذا در برابر رویکردهای تحریمی، جمهوری اسلامی به اقدامات متقابل در این حوزه متوسل می‌شود، چه اینکه کشورهای آمریکای جنوبی ظرفیت‌های ضد تحریم را با توجه به رویکردهای نسبتاً مستقل

خواهند داشت. در شرایطی که تحریم ها علیه ایران در یک مسیر تدریجی فزاینده قرار گرفته است، گسترش تعاملات اقتصادی ایران با آمریکای لاتین می تواند تا حدودی از فشار تحریم ها علیه ایران کم کند. جوزف هامیر مدیر موسسه تحقیقاتی موسوم به مرکز جامعه آزاد امن، در نشست کمیته امنیت ملی مجلس نمایندگان آمریکا، جهت بررسی فعالیت های ایران در آمریکای لاتین می گوید؛ گروه آلبا نه تنها پوشش سیاسی برای فعالیت های نامتقارن ایران بوجود می آورد بلکه در بسیاری از موارد این گروه در کمک به ایران برای دورزدن تحریم ها، گسترش شبکه های تجاری استفاده می شود. به عنوان مثال در ژانویه ۲۰۰۸ بانک موسوم به (B.I.D Banco Internacional de Desarrollo C.A) در ونزوئلا آغاز به کار کرد که بررسی های دقیقتر نشان داد که مالکیت کامل آن به بانک توسعه صادرات ایران تعلق دارد. از سوی دیگر نیز در سال ۲۰۰۸، بانک توسعه صادرات ایران پروتکل همکاری با بانک مرکزی اکوادور امضاء کرد که طی آن یک ساختار بانکی دوجانبه را بوجود می آمد که جمهوری اسلامی می تواند از آن برای دورزدن تحریم ها استفاده کند. در واقع با توجه به شکل گیری شبکه بانکی جدید و پول مجازی گروه آلبا با نام طرح سوکره SUCRE و موارد فوق، این فرصت را به ایران می دهد تا از توافق نامه بانکی خود در تمام کشورهای آمریکای لاتین به فعالیت مالی بپردازد (Humire, ۲۰۱۳) یا گفته می شود که سرمایه گذاری های اقتصادی ایران در ونزوئلا به میزان ۳۰ میلیارد دلار، جهت عملیات پول شویی فرار از تحریم های مالی بین المللی می باشد (Noriega, ۲۰۱۲).

ه: جایگاه کشورهای آمریکای جنوبی در اوپک

ایران، ونزوئلا و اکوادور علاوه بر روابط گسترده در سالهای اخیر، دارای یک رابطه طولانی سیاسی اقتصادی هستند که از تاسیس سازمان کشورهای صادر کننده نفت اوپک نشأت می گیرد که این کشورها از تشکیل دهندگان اولیه آن بودند. هر چند رابطه نفتی و سیاست های نفتی این کشورها در سالهای پس از انقلاب بسیار شکننده بود، اما با کسب قدرت توسط هوگو چاوز در ونزوئلا؛ سیاست های دو کشور در اوپک و پیرامون مسائلی

چون؛ سقف تولید و قیمت گذاری بسیار به یکدیگر نزدیک گردد. به گونه ای که بارها و به ویژه در سالهای ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ تهران و کاراکاس مخالفت خود را تصمیمات یک جانبه عربستان سعودی برای افزایش صدور نفت خام و کاهش قیمت ها ابراز داشتند (Farhi, ۲۰۱۲). در واقع اوپک در حالی وظیفه هماهنگی و یکپارچه سازی سیاست های نفتی کشورهای عضو و تعیین بهترین راه برای تامین منافع آنها را برعهده دارد که جناح بندی های در این سازمان وجود دارد و ایران تلاش همواره در مسائلی چون سقف تولید، تعیین دبیرکل و ... با جناح عربستان سعودی رقابت داشته است. لذا در این میان ونزوئلا و اکوادور از این ظرفیت برخوردارند که به عنوان حامیان و متحدان ایران به شمار روند. از سوی دیگر می توان به قراردادهای نفت و انرژی ایران و ونزوئلا اشاره نمود. شرکت ملی نفت ونزوئلا، انعقاد قرارداد با چندین شرکت نفت و گاز تحریم شده ایران و شرکتهای عمرانی این کشور را تسهیل می کند. رستم قاسمی فرمانده وقت قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه پاسداران در مه ۲۰۱۱ اعلام کرد که؛ شرکت صدرا وابسته قرارگاه هم اکنون در حال برنامه ریزی و ساخت چندین نفتکش با ظرفیت ۱۲۰ تن برای ونزوئلا است این درحالی است که شرکت صدرا به شدت تحریم شده است (Segall, ۲۰۱۱). توافق نامه تکمیلی نیز بین شرکت خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران با شرکت صنایع دریایی وابسته به شرکت ملی نفت ونزوئلا منعقد شده است تا اینکه شرکت حمل و نقل نفتی دریایی مشترک ایجاد شود (Humire, ۲۰۱۳).

سیاست ارتباط با کشورهای آمریکای لاتین، پاسخی فعال به تلاش آمریکا برای منزوی کردن ایران از لحاظ سیاسی و اقتصادی بود که باعث گردید مدار سیاست خارجی ایران، به شعاعی فراتر از خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز گسترش یابد. لذا جهت گیری بسوی آمریکای لاتین امری بدعت گزارانه یا تغییر جهت استراتژیک فاحش در سیاست خارجی ایران به شمار نمی رفت و بلکه یک جهت گیری سیاسی جدید و اصولی برای کسب منافع ملی می باشد (Farhi, ۲۰۱۲). لذا این انتظار می رود که با توجه به ظرفیت های فوق الذکر، ارتباط با آمریکای لاتین و حتی ارتقا و بهینه سازی این ارتباط در چارچوب سیاست

خارجی به عنوان یک ضرورت نظام جمهوری اسلامی فراتر از سیاست های تاکتیکی دولتها نیز تداوم پیدا کند. در واقع سیاست ارتباط به آمریکای لاتین به نوعی می تواند متوازن کننده روابط با اروپا و آسیا باشد.

چالش های پیشروی گسترش روابط

حضور دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای نیمکره غربی با توجه به ظرفیتهای سیاسی و اقتصادی مطلوب، موجب نگرانی نظام سلطه گردیده است به گونه ای که مقامات ایالات متحده آمریکا و رژیم اشغالگر رژیم صهیونیستی بارها نسبت به توسعه روابط سیاسی و اقتصادی ایران با کشورهای آمریکای لاتین هشدار داده و موانعی را ایجاد نموده اند. لذا در برابر توسعه روابط ایران در این مناطق چالش هایی نیز وجود دارد که بایستی آنان را نیز در نظر آورد. در این میان تیتروار می توان به؛ خطر بروز تغییرات سیاسی در کشورهای آمریکای لاتین به دلیل دموکراسی نوپا در این کشورها، تلاش های بسیار گسترده لابی صهیونیستی در این کشورها، دخالت های فزاینده آمریکا در منطقه و میزان موفقیت دستورکار آمریکایی ها برای ممانعت از نفوذ جمهوری اسلامی در این نیمکره غربی، چگونگی حل و فصل پرونده آمیا در روابط با آرژانتین دوری جغرافیایی و رقبای قدرتمند در زمینه های اقتصادی و ... اشاره نمود.

اما مهمترین چالش در حوزه بین الملل را می توان در سیاست های آمریکا جستجو نمود. اوباما ۴ ماه پس از به قدرت رسیدن و در آوریل ۲۰۰۹ راهی آمریکای لاتین شد و در اجلاس سران کشورهای قاره آمریکا گفت که؛ خواهان مناسباتی متوازن و مبتنی بر حقوق برابر و احترام متقابل با آمریکای لاتین است. این اظهارات اوباما نمادی از دیپلماسی تغییر وی در حوزه آمریکای لاتین بود؛ حوزه ای که پیش از وی و در دوران جورج بوش پسر به خاطر توجه به غرب آسیا و عراق و افغانستان عملاً نادیده گرفته شده بود. از سوی دیگر، آمریکا اطلاعات کاملی از فعالیت های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران در آمریکای جنوبی ندارد و تنها بر اساس اظهارات مبالغه آمیز فعالیت های ایران در منطقه را رصد می کند. پرننگ کردن تهدید ایران در آمریکای لاتین، توسط ایالات متحده دارای پیامدهای

متفاوتی در آینده خواهد بود. اما به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین پیامدها این باشد که؛ ایالات متحده در آینده در اقناع کردن افکار عمومی آمریکا و نیز کشورهای غربی علیه ایران موفق‌تر عمل کند. در این باره گفته می‌شود که؛ تا زمان بحران موشکی کوبا، بیشتر مردم آمریکا درک و تصویری از واقعیت جنگ سرد و نیز تهدید شوروی برای ایالات متحده نداشتند. ولی بحران یاد شده سبب شد که آنها تهدید شوروی را احساس کنند (غلامی، ۱۳۹۱: منابع اینترنتی). مهمترین چالش داخلی نیز به سیاست‌های جمهوری اسلامی در آمریکای لاتین باز می‌گردد و آن اینکه؛ در مورد این روابط عمدتاً فضایی هیجانی و بعضاً شعار زده وجود دارد که باعث می‌گردد نتوان از همه ظرفیت‌های موجود به خوبی در جهت اهداف ملی بهره‌گرفت. لذا در نقد سیاست‌های دولت گذشته درباره آمریکای لاتین باید گفت؛ رفت و آمدهای دیپلماتیک باید منتج به روابط سیاسی، فرهنگی، تکنولوژیک شود، که به شکلی نهادینه چشم‌اندازهای روشنی را ایجاد نماید.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش گردید تا ابعاد حضور ایران در کشورهای منطقه آمریکای لاتین مورد بررسی قرار گیرد. مشخص که حضور گسترده ایران در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی در کشورهای این منطقه به ویژه اکوادور، بولیوی، ونزوئلا و ... همچنین تعاملات با بزرگ‌ترین و آرژانتین، فرصت‌های بیشماری در جهت تامین منافع ملی و افزایش عمق راهبردی ایران فراهم آورده است. این روابط در عین افزایش حوزه نفوذ ایران، به ویژه در شرایط فشارهای آمریکا به ایران، زمینه‌های لازم جهت تقابل راهبردی را برای کشورمان فراهم می‌سازد. به گونه‌ای که به بیان بسیاری از اندیشکده‌های غربی؛ فعالیت ایران در آمریکای لاتین به منزله سکوی پرتابی برای سیاست‌های تهران در سایر صحنه‌های بین‌المللی خواهد بود. این روابط این امکان را به ایران می‌دهد تا چندین هدف را پیگیری نماید؛ افزایش فرصت‌های اقتصادی، کسب حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک، خروج از فشارهای بین‌المللی و بی‌اثر کردن تحریم‌های مختلف. لذا با توجه به ظرفیت‌های گسترده کشورهای آمریکای لاتین در جهت برآورده سازی منافع ملی و افزایش قدرت و نقش بین

المللی ایران، پیشنهاد می‌گردد نه تنها تداوم روابط، بلکه تعمیق و بهینه‌سازی روابط با کشورهای منطقه آمریکای لاتین در دستور کار سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی قرار داشته باشد.

منابع

- احمدی لفورکی، بهزاد (۱۳۸۷)، «فرصت های ایرانی در آمریکای لاتین»، پگاه حوزه، شماره ۲۲۸.
- سلیمانپور، هادی و عبادالله مولایی (۱۳۹۲)، «قدرت های نوظهور در دوران گذار نظام بین الملل»، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره اول.
- خبرگزاری فارس، «دستاوردهای دولت نهم در روابط خارجی با کشورهای آمریکای لاتین»، ۱۳۸۷/۶/۴.
- خبرگزاری ایرنا، «ایران و آمریکای لاتین، فرصت ها و چالش ها»، ۱۳۸۹/۸/۳.
- ضیایی، محمد علی (۱۳۸۵)، «تاریخ روابط دیپلماتیک ایران و کشورهای آمریکای لاتین»، روزنامه همشهری، ۱۵ دی ۱۳۸۵.
- غلامی، طهمورث (۱۳۹۱)، «ایران در آمریکای لاتین و واکنش ایالات متحده»، پایگاه مرکز بین المللی مطالعات صلح.
- لطفعلی پور، محمدرضا و سیده زهرا شاکری و فاطمه کبری بطا (۱۳۹۰)، «بررسی همگرایی اقتصادی میان ایران و کشورهای آمریکای لاتین؛ کاربرد مدل جاذبه»، فصلنامه پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره سوم.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۸)، «همکاری ایران و آمریکای لاتین فاقد تاثیرگذاری اجتماعی و ایدئولوژیکی است»، سایت دیپلماسی ایرانی.
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۱)، «شکل بندی هندسه ژئوپلیتیک جدید»، پایگاه حفظ و نشر مقام معظم رهبری حضرت آیت اله خامنه ای.
- مرشدی، ارسلان (۱۳۹۰)، «ناکامی آمریکا در گسستن روابط ایران و برزیل»، روزنامه جام جم، ۲۲ خرداد ۱۳۹۰.
- مهدوی، هوشنگ (۱۳۷۵)، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مشرق نیوز، «نیروی قدس سپاه محور قانون جدید آمریکا»، متن قانون مقابله با نفوذ ایران در نیمکره غربی
- Berman, Ilan (2013), "Threat To The Homeland: Iran's Extending Influence In The Western Hemisphere", Testimony

- before the House of Representatives Homeland Security Committee, available in: <http://homeland.house.gov>
- Farah, Douglas (2012), "Iran in Latin America: An Overview", in Iran in Latin America Threat or 'Axis of Annoyance, Wilson Center Reports on the Americas, available in http://www.wilsoncenter.org/sites/default/files/Iran_in_LA.pdf
 - Farhi, Farideh (2012), " Tehran's Perspective on Iran-Latin American Relations", in Iran in Latin America Threat or 'Axis of Annoyance, Wilson Center Reports on the Americas, available in http://www.wilsoncenter.org/sites/default/files/Iran_in_LA.pdf
 - Goodman, Joshua (2013)," iran Influence in Latin America Waning", bloomberg Jun 27, 2013, , available in <http://www.bloomberg.com/news/2013-06-26/iran-influence-in-latin-america-waning-u-s-report-says.html>
 - HajiYousefi , Amir M. (2010), "Iran's Foreign Policy during Ahmadinejad: From Confrontation to Accommodation", Annual Conference of the Canadian Political Science Association, www.cpsa-acsp.ca.
 - Humire, Joseph M. (2013), "Threat To The Homeland: Iran's Extending Influence In The Western Hemisphere", Testimony before the House of Representatives Homeland Security Committee, available in: <http://homeland.house.gov>
 - Johnson, Stephen (2012), "Iran's Influence in the Americas", Center for Strategic and International Studies. available in http://csis.org/files/publication/120223_Johnson_IranInfluence_ExecSumm_Web.pdf
 - Segall, Michael (2011)," Latin America: Iran's Sprinboard to America' s Backyard", Jerusalem Center For Public Affairs, available in: <http://jcpa.org/article/latin-america-iran%e2%80%99s-Sprinboard-to-America%e2%80%99s-backyard/>
 - Sotero, Paulo and Armijo, Leslie Elliott (2007), "Brazil: To Be or Not to Be a BRIC?" Asian Perspective, Vol. 31, No. 4.
 - Sullivan, Mark P & June S. Beittel (2013), "Latin America: Terrorism Issues", Congressional Research Service, available in <https://www.fas.org/sgp/crs/terror/RS21049.pdf>
 - Misztal, Blaise (2013), "Threat To The Homeland: Iran's Extending Influence In The Western Hemisphere",Testimony

before the House of Representatives Homeland Security Committee, available in: <http://homeland.house.gov>

- Noriega, Roger F (2012), "Iran's influence and activity in Latin America" , available in http://www.aei.org/files/2012/02/16/-noriega-sfrc-testimony-feb-16-2012_152815934443.pdf